

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز و یادداشت پورتال

۰۲ فبروری ۲۰۲۱



قاسم باز

بسوزیم و بسازیم، یا چاره جوئی کنیم!!؟؟

عباس ستانکزی در مسکو می گوید. اشرف غنی مانع صلح است باید به خاطر آوردن صلح در کشور، وی خلع قدرت شود!

عجیب است ، امروز طرفداران کمونیزم پیرو خط مسکو یعنی حزب دیموکراتیک خلق طرفداران و متحدان فعلی اشرف غنی از اشرف غنی دفاع می نمایند ولی خالق و بادر حزب دیموکراتیک خلق یعنی کرملین مسکو همراه مخالفان اشرف غنی همدست می شود . این را گویند یک بام و دو هوا.

"چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما"؟

خوب شد ، حالا آهسته آهسته گپ از شف شف به شفتالو رسید.

تا چه وقت ملت به خاطر این و آن قربانی بدهد. دولتی که با بودن صد هزار عسکر امریکائی و ناتو در پنج سال امنیت آورده نتواند در دو سه سال آینده بدون حضور عساکر خارجی نخواهد توانست ولسوالی پغمان را هم نگه دارد . یک عده قلم به دستان طرفدار حکومت فعلی به طور شعوری وطن را برباد و به دست دیگران می سپارند.

آن عده افراد طرفدار حکومت فعلی کابل که از فرسنگها فاصله دور، دل را به دریا زده می فرمایند که ما وطن را نگاه کرده می توانیم ولی هیچ وقت تصور نکرده که هر روز دایره محاصره بالای حکومت تنگ تر می گردد ، فعلاً ۷۵٪ افغانستان از دست شان برآمده، ولی آنها تا به حال خود را فاتحان معرکه جنگ افغانستان می شمارند. مطمئنم اگر دولت فعلی به زور رانده شود در آنصورت افغانستان داخل هرج و مرج می گردد، که این هرج و مرج تنها به نفع کشورهای

حریص همسایه ما و یک عده غاصبان ، جنایتکاران و مفسدان تمام خواهد شد به این معنی که کسی نخواهد توانست از این جنایتکاران پرسیان جنایات شان را کند. آنها قبلاً وطن را لیلان نموده اند.

ما خواهان انتقال صلح آمیز قدرت سیاسی هستیم در انتقال صلح آمیز قدرت سیاسی خیر و سعادت وطن و مردم نهفته است در انتقال صلح آمیز قدرت اشخاص با فهم کارا و متخصص به قدرت می رسد، در غیر آن جنگ و خون ریزی به مفاد دشمنان وطن ما است. البته این بدان معنا نیست که "غنی" برود و "طالب" بیاید. زیرا تجربه ثابت نموده به همان سان که موجودیت "غنی" بهانه کشت و کشتار در افغانستان است، آمدن "طالب" نیز نه تنها بر کشت و کشتار نقطه پایان نخواهد گذاشت، بلکه جنگهای دیگری را در ابعاد دیگری باعث خواهد شد که موجودیت کشور ما را نیز زیر سؤال خواهد برد.

چند روز قبل در صفحه فیسبوک آقای حمید عبیدی سابق پیرو خط مسکو نوشته ای را خواندم ، جناب حمید عبیدی می نویسد . « مجاهدین هم در سالهای ۹۰ می گفتند که داکتر نجیب مانع صلح است امروز طالبان نیز می گویند که داکتر اشرف غنی مانع صلح اند... »، بلی درآنوقت هم مجاهدین و هم مردم راست می گفتند. امروز هم طالبان و هم مردم نیز راست می گویند. سؤال در اینجا است ؟ در آن وقت و زمان آیا واقعاً داکتر نجیب حاضر بود صلح آمیز قدرت را به کمیته ۳۰ نفری ملل متحد که متشکل از افراد نخبه آنوقت کشور بودند، انتقال دهد؟ ابداً نه!!!

عدم انتقال صلح آمیز در زمان داکتر نجیب الله توطئه های داخلی حزب دیموکراتیک؟ خلق و بیرونی یعنی سردمداران کرملین بود که پروسه صلح ملل متحد را در حالت پیروزی خنثا نمود و وطن را به این حال زار رساند. واقعیت امر اینست اگر داکتر نجیب الله زمینه فرار را به خود مساعد نمی ساخت و وطن را رها نمی کرد هیچ وقت حکومت ساخت پاکستان در افغانستان پایه گذاری نمی شد. امیدوارم بار دیگر تراژیدی سالهای ۱۹۹۰ در کشور تکرار نشود. **ایا امروز اشرف غنی بدون فشار خارجی حاضر می شود قدرت فاسد خود را به یک حکومت کارا انتقال دهد. ابداً نه !!! پس چاره چیست؟ یا به همین حکومت غاصب و مفسد بسازیم و بسوزیم و یا چاره اصلی پیدا کنیم ، احياناً اگر دوام این حالت را می خواهیم پس دیگر حق شکایت هم نداریم.**

دلم به حال آن عده افرادی می سوزد که به تمام بدبختی از این حکومت مفسد، بیکاره غرق در فساد باز هم به چشم بینا دفاع می کنند. گاهی می گویم که شاید این افراد چشم امید به غنی گرفته اگر کدام چوکی برایش بدهد. ولی کار کردن در این حالت در حکومت اگر موضوع تراکم سرمایه نباشد شخص عاقل نخواهد به این کار تن دهد. از قرار معلومات غنی دوست ندارد که از وی کرده شخص فهمیده تر در پهلویش باشد. ثانیاً اشرف غنی افراد را کار دارد که به وی همیشه دست به سینه ایستاده باشد و "صیب صیب" بگوید. به هر صورت پوهاند استاد اسماعیل یون در صفحه فیسبوک خود می نویسد.

« جمهوریّت که بربریت ؟ »

جمهوریت د خلکو له خوا د خلکو په رایه د حکومت ټاکل دی، دا حکومت خلکو ته د خدمت او خواب ورکولو مسولیت لری. جمهوریت د بیان ازادی ده ، جمهوریت د اتباعو تر منځ د حقوقو تساوی ده ، جمهوریت د قانون حاکمیت دی، جمهوریت غلا نه ده ، جمهوریت لوټ او تلان نه دی ، جمهوریت د څو محدودو هلکانو په لاس د واک انحصار نه دی، جمهوریت کی دروغ نه شته ، جمهوریت کی خیالی ژمني او هوایی دهلېزونه نه شته ، جمهوریت کی د ولس تېر ایستل نه شته ، جمهوریت د هر ابهام لپاره د سپیناوی لاره ده ، جمهوریت د خپل واک د بقا لپاره پر جنگسالارانو ډډه لگول نه دی ، جمهوریت پر گاونډیو د خاوري پلورل او له هغوی سره پټي معاملي نه دی ، جمهوریت د غوره مالی او کنځلماری ترویج نه دی، جمهوریت د خپل کلتور تر پښو لاندې کول نه دی، جمهوریت کی

د جمهور رييس مېرمن له جمهور رييس سره موازی او نامسولیته صلاحیتونه نه لری ، جمهوریت کې د هېواد د عزت او هویت دښمنان د هېواد پر حساسو رگونو واکمن نه وی، لنډه دا چې جمهوریت سړیتوب او سوکالۍ ته درسېدو یوه غوره لاره ده . خو راځو دې خپل جمهوریت ته چې دا پر کومو عملی معیارونو ولاړ دی ؟ دلته خو چې تر ټولو مظلوم واقع شوی هغه همدا بېچاره جمهوریت او د هغه همدا اساسی قانون دی او تر ټولو زیات چې توهین شوی او تر پښو لاندې شوی ، هغه خپله پر همدې قانون د قسم خورلی جمهور رييس له خوا شوی دی، دویم د خلکو رایه ده چې کمه وه که زیاته خو دواړه ځله یې د باد بڼکه کړه، درېیم ژمني او دروغ دی چې له شرعی او ټولنیز پلوه هېڅ جواز نه لری ، خو دلته د دولتمشر له خوا داسې کارول کېږی ، لکه د ډوډۍ خوراک، نو هغه جمهوریت چې غلا، فساد، دروغ ، ناامنی او د مقام د ساتنې لپاره غوره مالی په کې د سیاسي کلتور یوه برخه وی ، هغه به جمهوریت وی که انارشی؟ هغه جمهوریت چې شلکلن غله او دېرشکلن جنگسالاران یې د بدن اساسی غړی وی ، ((مسعود شناسی او مزاری شناسی)) یې د بقا او وحدت محتوا وی ، له پنجاب سره یې د قدرت دبقا په خاطر پر خپله خاوره د اغزن تار پر تېرولو رضا وی، دوستم غوندي جنگسالار یې د دولتمشر په لاسلیک مارشال وی، محقق غوندي مېخکوب یې امنیتي سلاکار وی ، علیپور، شجاعی او قیصاری غوندي جگړه ماران یې بیا سیمه ییز اتلان وی ، د طالبانو استادان ؛ د جهادی تنظیمونو اکثره مشران یې د واک شریکان او مفتیان وی ، د جگړه مارو تنظیمونو اصلی مهم لوبغاړی یې د دولت مرستیالان وی ، نو دا به جمهوریت وی که کوم بربریت؟....»

۲۰۲۱/۳۱/۱

یادداشت:

احترام ما به شخص آقای "باز" همکار همیشگی، متعهد و شجاع ما مانع از آن نمی شود تا ننویسیم:

۱- ما با این قسمت نظر شان که "غنی احمدزی" باعث بدبختی، فساد و ادامه کشتار در افغانستان است موافق هستیم، اما این را هم به صراحت می افزائیم که نامبرده تنها عامل تمام مصایبی که نام برده اند، نیست؛ بلکه بخشی از آن است. از نظر ما عامل اساسی تمام بدبختی های افغانستان امپریالیست های اشغالگر و ارتجاع دهن دریده اسلام سیاسی است که افغانستان را مشترکاً به حمام خون مبدل نموده اند.

۲- همان طوری که در نوشته نیز بدرستی آقای "باز" تذکار داده اند، طرح رفتن "غنی احمدزی" بدون ارائه بدیل ملی که برای تمام مردم افغانستان قابل قبول باشد، نه تنها به معنای پذیرش طالب و عواقب خونبار و فاجعه آمیز آن است، بلکه در عمل خدا حافظی با استقلال و تمامیت ارضی کشور نیز به شمار می رود.

۳- هرگاه احترام عمیق ما به شخصیت فراقومی و ملی آقای "باز" نمی بود، هیچ گاهی به نوشته فردی شونیست، تفرقه افکن، فاشیست، دوروی و فاسدی مانند "یون" اجازه نشر به پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" این سنگر دفاع از وحدت و ترقی کشور نمی دادیم.

این انسان آلوده که همین اکنون با هزار و یک رشته با "غنی احمدزی" و حاکمیت قداره و ترورش وابسته است و از طریق معاش دالری یعنی سر بر آستان امپریالیسم سائیدن امرار معاش می کند، در همین نوشته به اصطلاح ضد "جمهوریتش" هم به مانند همیشه دیوار را یک جانبه گل کرده، از یک سو در بحبوحه کشمکش بین جمهوریت و امارت با شمردن معایب "جمهوریت دروغ"، غیر مستقیم از امارت طالب دفاع می نماید و می خواهد با بیرون کردن یک رقیب میدان را برای رقیب دیگر خالی گذارد و از جانب دیگر اوج برخوردهای فاشیستی و قوم گرایانه اش را زمانی

به نمایش می گذارد که حین شمردن خاینان اقوام تاجیک، ازبیک و هزاره در وجود، ربانی-مسعود، دوستم و مزاری، زبانش لال می شود تا از خاینان و جنایتکاران قوم پشتون در وجود سیاف ها، گلبدین ها و بقیه نام ببرد.

چنین برخوردی نشان می دهد که افرادی از قماش "یون" با جنایت، خیانت و وطنفروشی مخالف نیستند، بلکه این اعمال زمانی برای آنها شنیع و زشت می گردد که مرتکبان آن از قوم و تبار خودشان نباشد.

خوانندگان نهایت عزیز!

برای پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"، خیانت، جنایت و وطنفروشی، از جانب هر کس و متعلق به هر قوم و تباری که باشد خیانت، جنایت و وطنفروشی است، حین صدور حکم در مورد، هیچ گاهی با عینک قومی و تباری به قضایا ننگریسته، خاین، جانی و وطنفروش به هر قوم و تباری که تعلق داشته باشد، وی را محکوم و قابل بازخواست می دانیم. یعنی به همان سان که افراد سکتاریست و ناسیونالیست تنگ نظر از قماش "لطیف پدرام" را دشمن وطن و هموطن می دانیم و "راسیست" هائی از قماش "مزاری" و یا "دوستم" را دشمن وطن و هموطن خود می دانیم، افراد شونیست و فاشیستی از قماش "یون" و بقیه همقطارانش را نیز دشمن وطن و هموطن دانسته، کشور ما را پاکتر از آن می دانیم که لوٹ وجود افراد نامبرده با ادعای تعلق بدان، آن را آلوده نمایند.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"